بُهتان مگوي

بُهتان مگوي

که آفتاب را با ظلمت نبردي در ميان است.

آفتاب از حضور ِ ظلمت دل‌تنگ نيست

با ظلمت در جنگ نيست.

ظلمت را به نبرد آهنگ نيست،

چندان که آفتاب تيغ برکشد

او را مجال ِ درنگ نيست.

همين بس که ياري‌اش مدهي

سواري‌اش مدهي.

دي ِ ۱۳۶۳